

مقایسه جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و کلان جمهوری اسلامی ایران

اکرم قدیمی^۱، ارسلان قربانی شیخ نشین^۲، رحمان حریری^۳

چکیده

توجه به جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه دارای اهمیتی کلیدی است زیرا مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی، از شاخص‌های مهم توسعه انسانی و پایدار مورد نظر سازمان ملل متحد در تعیین درجه توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود. نادیده گرفتن زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه چرخ توسعه جامعه را کند می‌کند. به منظور تحقق توسعه انسانی توجه به جایگاه نقش‌آفرین زنان در فرایند توسعه کشور و تامین مطالبات این قشر عظیم در برنامه‌های توسعه‌ای و کلان کشور ضروری است.

این پژوهش به دو پرسش اساسی که «از منظر تئوریک و عملکرد اجرایی، برنامه‌های پنج‌گانه توسعه، چه تفاوت‌ها و همانندی‌هایی به لحاظ توجه به جایگاه زنان با هم دارند؟ و کدامیک از برنامه‌های توسعه کشور، در توجه به جایگاه زن در فرایند توسعه عملکرد موفق‌تری داشته است؟» پاسخ می‌دهد. فرضیه اصلی در پاسخ به پرسش اصلی این است: «به نظر می‌رسد توجه به جایگاه زنان در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه بر روی محور حداقل‌ها و حداکثرها در نوسان بوده، حداقل‌ها از برنامه اول شروع شده و در برنامه چهارم و پنجم به سمت حداکثرها پیش می‌رود. در مجموع توجه به جایگاه زن در فرایند توسعه کشور در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه، دارای روندی رو به بهبود و پیشرفت بوده است.» روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی-تحلیلی است. جایگاه زنان در قانون اساسی، و برنامه‌های پنج‌گانه توسعه به صورت مقایسه‌ای واکاوی می‌شود.

کلید واژه‌ها: زنان، برنامه‌های توسعه، توسعه انسانی، مشارکت

ghadimi2005@gmail.com

^۱ استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

^۲ دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران

^۳ کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تربیت معلم تهران

مقدمه و بیان مسأله

امروزه بیشترین توجه سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه صرف این مسأله می‌شود که چگونه می‌توان در کوتاه‌ترین زمان ممکن فاصله میان کشور خود را با کشورهای توسعه یافته کاهش دهند. توسعه مورد نظر این پژوهشگران صرفاً ابعاد مادی و اقتصادی ندارد و توسعه پایدار و به خصوص توسعه انسانی را نیز در بر می‌گیرد. از اوایل دهه هفتاد، توجه به نقش زن در توسعه جامعه به یکی از اولویت‌های نهادهای بین‌المللی تبدیل شد و با توجه به این‌که زنان نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند، توسعه کشورها نیز بدون مشارکت گسترده زنان در فرایند توسعه محقق نمی‌شود و یا دست کم تسهیل این روند بدون مشارکت زنان ممکن نیست. توجه به جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه دارای اهمیتی حیاتی است زیرا مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از شاخص‌های مهم توسعه همه جانبه و مورد توجه سازمان ملل برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی کشورها محسوب می‌شود. بررسی جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه‌ای و اسناد راهبردی کشور، در محافل دانشگاهی مورد کم‌توجهی قرار گرفته و این کم‌توجهی، توسعه انسانی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. نادیده گرفتن زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه از حضور در فرایند توسعه به مفهوم کند کردن چرخ توسعه جامعه است. این پژوهش به این پرسش‌ها که «از منظر تئوریک و عملکرد اجرایی، برنامه‌های پنج‌گانه توسعه، چه تفاوت‌ها و همانندی‌هایی به لحاظ توجه به جایگاه زنان با هم دارند؟ و کدامیک از برنامه‌های توسعه کشور، در توجه به جایگاه زن در فرایند توسعه عملکرد موفق‌تری داشته است؟ و کدام برنامه توانسته است از نظر عدالت جنسیتی در حوزه توسعه به استانداردهای جهانی نزدیک شود؟» و سؤالات دیگری از جمله «نقاط ضعف و قوت این برنامه‌ها در توجه به جایگاه زنان در فرایند توسعه به عنوان نیمی از منابع انسانی کدامند؟ این ضعف یا قوت چه تأثیراتی بر فرایند کلی توسعه انسانی کشور داشته است؟» پاسخ می‌دهد.

فرضیه اصلی در پاسخ به پرسش اصلی این است: «به نظر می‌رسد توجه به جایگاه زنان در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه بر روی محور حداقل‌ها و حداکثرها در نوسان بوده، و حداقل‌ها از برنامه اول شروع شده و در برنامه چهارم و پنجم به سمت حداکثرها پیش می‌رود. در مجموع توجه به جایگاه زن در فرایند توسعه کشور در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه، دارای روندی رو به بهبود و پیشرفت بوده است.»

گرچه در ده سال اول انقلاب (۱۳۶۷-۱۳۵۷)، برنامه‌ریزی توسعه به معنای خاص وجود نداشت، اما شرکت وسیع زنان در فرایند انقلاب و جنگ هشت ساله، بدون شک در افزایش خواست زنان برای احقاق حقوق خود تأثیر فزاینده‌ای داشته است. (باقریان، ۱۳۸۳ : ۱).

مقاله مورد نظردیدگاه نوینی را درباره جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه‌ای و کلان، با استفاده از نظریات تلفیقی _ تطبیقی مورد مطالعه ارائه داده است، که هدف از آن واکاوی نقش و جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و تأثیرات این حضور بر توسعه انسانی و پایدار کشور است.

پیشینه تحقیق

در مورد مطالعه مقایسه‌ای جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و کلان ج.ا. ایران، در داخل کشور کمتر مطلبی صریحاً به این موضوع اشاره داشته است، و تنها چند پروژه تحقیقاتی که به نوعی می‌توان گفت مرتبط با این موضوع هستند، در دسترس می‌باشد، با توجه به جدید بودن برنامه پنجم توسعه، مطلبی در این زمینه چه در داخل و چه در خارج از کشور یافت نشد. بیشتر منابع در دسترس، آمارهای مراکز دولتی است. از تعدادی منابع لاتین که شامل آمارهای سازمان‌های بین‌المللی است نیز استفاده شده که در فهرست منابع ذکر می‌شوند.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله روش توصیفی-تحلیلی است. همچنین از روش تطبیقی با تکیه بر گزارش‌های اسنادی سازمان ملل و شاخص‌های توسعه انسانی بهره گرفته است. در این پژوهش به دلایل مختلف (اعم از مشکل محدودیت در کسب اطلاعات و مانند آن) شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد و مدارک می‌باشد. منابع اصلی برنامه‌های توسعه، گزارش‌های رسمی دولتی به ویژه گزارش‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز آمار ایران است.

مبانی نظری

جنسیت می‌تواند یکی از مبانی طبقه‌بندی اجتماعی باشد. در این طبقه‌بندی بیان می‌شود که ما که هستیم، به کجا تعلق داریم و چه جایگاهی را دارا هستیم، و این کمک می‌کند تا هویت اجتماعی مان را تعریف کنیم (Dovidio, 1989).

اغلب مطالعات صورت گرفته درباره نقش زنان در توسعه، و بالعکس نقش توسعه در ارتقای جایگاه زنان در جامعه، با در نظر گرفتن تأثیر توجه به جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و تأثیر این برنامه‌ها در رفع نابرابری جنسیتی، چند رویکرد و نظریه فکری را نشان می‌دهد (Forsythe & Korzeniewicz & Durrant, 2000).

رویکرد نوگرایی- نئوکلاسیک: این رویکرد بر این باور است که توسعه، و افزایش حضور زنان در فرایند توسعه، نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب رشد اقتصادی سبب رشد فرصت‌های شغلی برابر شده که این امر به تدریج تبعیض در آموزش و دسترسی به منابع مالی، در برخورداری از امکانات

رفاهی و بالطبع، تبعیض علیه زنان را کاهش می‌دهد. از این رو در شرایط برابر در برنامه‌های توسعه، دسترسی برابر به آموزش و کسب مهارت برای همه میسر می‌شود. در دوره زمانی متوسط تا طولانی مدت تبعیض را کم می‌کند (Neil and Polacher, 1993). علاوه بر این، تجارب کشورهای جنوب شرقی آسیا نشان داده است که سرمایه‌گذاری در آموزش زنان موجب افزایش تولید اجتماعی می‌شود و زمینه را برای رشد و توسعه بیشتر فراهم می‌سازد. پس با بررسی سطح رشد و توسعه می‌توان به جایگاه حضور زنان در آن جامعه پی برد (Kamrom, 2001 : 450-470).

نظریه عدالت سیستمی^۱ : (Jost, J.T. & Banaji, M. R, 1994)، این نظریه بیان می‌کند که کلیشه‌ها یا قالب‌های فکری ابزارهای قدرتمندی هستند که گروه‌های اقلیت در برنامه‌های توسعه نهایتاً آن‌ها را در محروم‌سازی و کوچک شمردن خودشان دخیل می‌سازند. برای مثال، مطالعات نشان داده‌اند که کلیشه‌ها در سطوح متفاوتی باعث تضعیف زنان شده‌اند. نتایج تحقیقات نشان داده است که هر چه زنان قالب‌های تبعیضی جامعه را بیشتر پذیرا شوند و این قالب مورد تأیید آن‌ها باشد، خودشان را هنگام مواجهه با ناکامی (مثلاً مورد توجه قرار نگرفتن در برنامه‌های توسعه) مقصر می‌دانند (Lee, 1987 & Neto, 1995).

نظریه بوزروپ : بیشتر تحقیقات و مطالعاتی که درباره نقش زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان انجام گرفته، در پی انتشار کتاب زنان در توسعه اقتصادی، نوشته استر بوزروپ بوده است. استر، کوشید که مفهوم زنان در توسعه و جایگاه‌شان را در یک چهارچوب بین‌المللی قرار دهد. او معتقد است که در کشورهای فقیر در دوره پیش از شهرنشینی و رشد اقتصادی بازار، اختلاف بهره‌وری بین زن و مرد ناچیز بود. در فرایند رشد اقتصادی و با افزایش تبعیض در مورد زنان و محروم کردن آنان از حضور در بخش‌های نوین، اختلاف سطح بهره‌وری بیشتر شد (Morrison, 2005). در دوره مطالعاتی که بوزروپ انجام داد، به این نتیجه رسید که رشد اقتصادی در نادیده گرفتن جایگاه زنان در فرایند توسعه تنها عامل مؤثر نیست و در صورتی که وابستگی‌های اجتماعی و موانع فرهنگی شدید باشد، با وجود رشد اقتصادی نقش و موقعیت زنان بهبود نخواهد یافت و زنان همچنان به دور از بخش نوین و پیشرفت‌های فناورانه در بخش‌های سنتی و عقب مانده‌تر استخدام می‌شوند (خانی، ۱۳۸۹: ۱۰). ماریان شمینک^۲ با استفاده از نظریه بوزروپ این گونه تحلیل می‌کند که تغییرات اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه از نظر کیفی با ملل توسعه یافته متفاوت است. از نظر شمینک با ورود تکنولوژی پیشرفته بسیاری از نیروها با ماشینی شدن اقتصاد، کار خود را از دست داده و با وجود نیروی کار زیاد در جوامع در حال توسعه مردان جذب شده و زنان به حاشیه رانده می‌شوند. با نادیده گرفتن نقش زن در عرصه توسعه و برنامه‌های کلان، روند توسعه،

^۱. System Justification Theory

^۲. Marian Schimink

پیامدهای متناقضی برای زنان در پی دارد، زنان به ناچار به حاشیه تولید رانده شده و به مثابه نیروی کار ارزان مورد استثمار قرار می‌گیرند. مطالعات در کشور ایران نیز نشان داده است که تجربه پنجاه ساله برنامه‌های توسعه نتوانسته است جایگاه زنان به نسبت مردان را در عرصه توسعه با توجه به استانداردهای جهانی ارتقا دهد (مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ : ۳۳). نظریه‌های "محرومیت نسبی"^۱، هویت اجتماعی و خود مقوله‌بندی: یکی از مفروضه‌های اکثر نظریه‌های درون گروهی، این است که جهت بروز یک اقدام گروهی باید هویت اجتماعی بارز و برجسته باشد. نظریه محرومیت نسبی بیان می‌کند که احتمال بروز یک اقدام دسته جمعی زمانی بیشتر است که ادراک گروهی از محرومیت بیش از تبعیض‌های فردی درک شده باشد. نظریه‌های هویت اجتماعی^۲ و خود مقوله‌بندی^۳ (Tajfel, H. & Turner, J. c, 1979-89) بیان می‌کنند که هر چقدر یک فرد به عنوان یک عضو از گروه در ارتباط با گروه‌اش به خود فکر کند تا به عنوان یک فرد به صورت واحد، بیشتر احتمال دارد که رفتارهای گروهی شکل پیدا کند. به هر حال، هنوز این مسأله وجود دارد که ممکن است فردی هویت اجتماعی بارز یا برجسته‌ای داشته باشد، ولی اقدام گروهی یا دسته جمعی رخ ندهد. یکی از روشن‌ترین بحث‌ها در خصوص چگونگی تعریف و شکل‌گیری هویت اجتماعی بارز و برجسته نظریه "خود مقوله‌بندی" است (Turner, 1987). "خود مقوله‌بندی" بارز یا برجسته به وسیله یک الگوی خاص ادراکی که به آن "نسبت فرا تضاد"^۴ گفته می‌شود بیان می‌گردد. فرا تضاد به تفاوت‌های ادراک شده بین اعضا در داخل یک مقوله اطلاق می‌گردد (Turner, 1987) و زمانی نسبت فرا تضاد زیاد است که "تفاوت‌های بین گروهی بیشتر و بزرگتر از" تفاوت‌های درون گروهی " ادراک شود. نتیجه تحقیقات (Faster, 1999) به خوبی نشان می‌دهد که هر چه هویت اجتماعی زنان بیشتر در راستای کلیشه‌ها قرارگیرد، احتمال کمتری برای اقدامات جمعی آنان وجود دارد یعنی قبول کلیشه‌های سنتی می‌تواند خود به خود باعث کاهش حضور زنان در برنامه‌های توسعه شود برعکس هرچه هویت اجتماعی زنان بیشتر در راستای تجربیات اجتماعی آنان قرارگیرد، احتمال دارد دست به اقدامی جمعی بزنند و این عامل باعث حضور چشم‌گیر آنان در برنامه‌های توسعه و کلان کشور می‌شود که این عامل، می‌تواند به سدی در برابر اعمال تبعیض علیه زنان در این برنامه‌ها تبدیل شود. بنابراین اتاق‌های فکر دانشگاهی حوزه زنان می‌توانند راه حل‌های عملی جهت حضور زنان در برنامه‌های توسعه و کلان کشور را به گونه‌ای ارایه نمایند که در جهت هویت اجتماعی و در راستای تجربیات اجتماعی آنان باشد. (البرزی، ۱۳۸۷: ۱۵) زیرا زنان توانمند در اثر تجربیات خود دریافته‌اند که نباید هویت اجتماعی خود را با توجه به عقاید و خرافات کلیشه‌ای و تحمیلی شکل دهند. تا بتوانند جایگاه خود را در

1. Relative Deprivation Theory

2. Social Identity Theory

3. Self-Categorization Theory

4. Meta-Contrast Ratio

برنامه‌های راهبردی توسعه ارتقا دهند، که این خود مقدمه‌ای برای رسیدن به عدالت جنسیتی براساس توسعه انسانی و پایدار است. (Parpart, 1993) معتقد است که در ایجاد نابرابری‌ها، هنجارهای اجتماعی اصلی‌ترین نقش را در نادیده گرفتن جایگاه زنان در برنامه‌های کلان ایفا می‌کنند. این هنجارها عبارتند از: ساختارهای کلیشه‌ای خانوادگی مردسالار و نابرابری‌های جنسیتی نهادینه شده در سطح اجتماع و نهادهای ارتقای توسعه انسانی و اجتماعی که از نقش آفرینی زن در حوزه توسعه انسانی، که مقدمه‌ای بر توسعه پایدار است جلوگیری می‌نماید (خانی، ۱۳۸۹: ۱۱). همچنان که بر اساس "تزدغام شدن" توسعه (که شامل توسعه انسانی نیز می‌شود) به آزادی و برابری جنسیتی می‌انجامد زیرا سبب می‌شود زنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بیشتری درگیر شوند (Abbott, 1987: 97)، حضور بیشتر زنان در فعالیت‌های عمومی به خصوص در حوزه توسعه انسانی، موجب رفع نابرابری‌های جنسیتی در همه حوزه‌ها می‌شود. دیدگاه ادغام شدن از نظر تأکید بر نقش مثبت توسعه در کاهش نابرابری‌ها، بیشتر به نظریه نوگرایی - نئوکلاسیک نزدیک و به بهبود وضعیت زنان در مسیر توسعه خوش بین است (مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، ۱۳۸۳: 40). این مقاله با تلفیق نظریات ذکر شده و با توجه به آمارهای در دسترس، نشان می‌دهد ارتقای جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و کلان کشور و ایجاد توازن در توسعه، می‌تواند شاخص‌های توسعه انسانی در کشور را بهبود بخشد. با توجه به این‌که زنان عامل اصلی توسعه منابع انسانی هستند این مقوله را دارای اهمیت دو چندان می‌نماید (باقریان، ۱۳۸۳: ۲۴). چنان‌چه که آمارتیاسن^۱ بنیان‌گذار نظریه "قابلیت"^۲ معتقد است که تمرکز بر نقش عاملیت زنان نتایجی مستقیم بر روی رفاه زنان دارد، اما گستره تأثیرگذاری عاملیت و حضور بیشتر زنان در برنامه‌های راهبردی بسیار فراتر از رفاه زنان است، که این حضور پر رنگ زنان یکی از واسطه‌های اصلی تغییرات اقتصادی و اجتماعی است و تعیین موقعیت و نتایج آن (بررسی جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه) ارتباطی تنگاتنگ با بسیاری از جنبه‌های اصلی فرایند توسعه دارد (سن، ۱۳۸۱) و (محمودی، ۱۳۸۴: ۲۱).

در این مقاله یک نظریه به تنهایی پاسخ‌گوی سؤالات پژوهش نبود بنابراین این از مجموعه‌ای از نظریات استفاده شده است.

جایگاه زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی نشان‌دهنده اصول، اهداف و ارزش‌های هر کشوری است و به عنوان یک سند سیاسی و میثاق اجتماعی، از جایگاه خاصی برخوردار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و مبانی دینی تدوین شده و جایگاه و حقوق زنان ایرانی را براساس معیارهای اسلامی در نظر

^۱. Sen, A.K

^۲. Capability Approach

گرفته است. اصول متعددی از قانون اساسی، به تشریح جایگاه زنان پرداخته است. در مقدمه قانون اساسی که بیانگر اهداف مهم قانون اساسی است. میحثی ویژه و جداگانه‌ای تحت عنوان «زن در قانون اساسی» آورده شده است که نشان از قابل شدن جایگاهی ویژه به مباحث زنان دارد. در این مقدمه چند نکته حائز اهمیت ذکر شده است:

الف) «استیفای حقوق زنان در ایجاد بنیان‌های اجتماعی اسلامی به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند بیشتر خواهد بود».

ب) «فراهم کردن امکانات جهت نیل به تشکیل خانواده‌ای که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان باشد، از وظایف حکومت اسلامی است».

ج) «زنان ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی، پیشاهنگ و خود، هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات خواهند بود».

اصول مربوط به زنان

پس از مقدمه، در اصولی از قانون اساسی به موضوع زنان به صورت خاص پرداخته شده؛ از جمله در بند ۱۴ اصل سوم، که اهداف جمهوری اسلامی را بیان می‌دارد، آمده است: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون». طبق اصل ۲۰، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان‌اند و در حمایت قانون قراردارند و همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بارعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل ۲۱ نیز دولت را موظف کرده است، حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و به این وظایف بپردازد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛

۲. حمایت مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛

۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛

۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛

۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در صورت نبودن ولی شرعی (اصول ۲۱ و ۲۰).

براساس اصل ۶۲ قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخوردارند، مشروط به این‌که موازین اسلام را رعایت نمایند. همچنین عامه مردم، چه زن و چه مرد، اجازه دارند در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش مشارکت نمایند. (شیرودی، ۱۳۸۵: ۹۹) این حقی است که قانون اساسی خود را مکلف ساخته در تأمین همه جانبه آن برای مردان و زنان بکوشد. افزون بر آن، قانون اساسی، دولت را موظف کرده است حقوق زن را در تمام جهات، از جمله مشارکت مدنی وی، با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعد را برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او فراهم کند (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

اصول عام قانون اساسی همچنین تکالیفی را برای دولت در قبال عموم مردم بویژه زنان مقرر داشته که عبارتند از:

-الزام به این که همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد(اصل ۱۰).

-رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی (بند ۹ اصل ۳).

-اصول مندرج در فصل سوم تحت عنوان حقوق ملت (که از اصل ۱۹ تا ۴۲) را در بر می‌گیرد، از جمله: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود»(اصل ۱۹).

-تأمین آزادی انتخاب شغل مناسب، (اصل ۲۸) برخورداری از تأمین اجتماعی و تکلیف دولت برای ارائه خدمات و حمایت‌های مالی مربوطه (اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه‌ریزی اصولی در کشور با تاخیری چند ساله و پس از پایان هشت سال جنگ با عنوان برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مدت پنج سال انجام شد. با بررسی تطبیقی برنامه‌های پنج‌گانه توسعه که تاکنون به اجرا درآمده و در حال اجرا است، مشاهده می‌شود که توجه به جایگاه زنان از سوی برنامه‌ریزان و دولت‌مردان متفاوت بوده، و دارای یک روند کلی از حداقل‌ها به سوی حداکثرها است.

برنامه اول توسعه و جایگاه زنان (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) به دلیل مشکلات اقتصادی پس از جنگ، تمام توجهات و تلاش‌ها معطوف به مسائل اقتصادی شد و توجه به جایگاه زنان در حاشیه قرار گرفت، فقط در سیاست‌های کلان برنامه، بخش‌هایی به امور زنان اختصاص داده شد (فسایی و کلهر، ۱۳۸۶: ۲۴).

در بخش اول برنامه به ارتقای کیفی فرهنگ عمومی و گسترش کمی آن، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان از طریق « مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن » تأکید شده است.

یکی از موضوعاتی که در برنامه اول توسعه کشور، مدنظر قرار گرفت «سیاست تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت» بود. برای رسیدن به هدف مذکور کوشش‌هایی در دستور کار قرار گرفت از جمله:

۱- بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم.

۲- اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت آنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده.

۳- ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ‌ومیر مادران و کودکان.

ضمناً در قسمت سیاست‌های کلی بخش تربیت بدنی، بند ۹-۷، «توجه بیشتر به ورزش بانوان» قید گردیده است.

طی اجرای برنامه اول تنها یک دفتر با عنوان دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری ایجاد شد که وظیفه آن آرایه مشاوره به رئیس جمهور، در نقش مشاور رئیس جمهور در مسائل زنان بود (قانون برنامه اول توسعه، ۱۳۶۸).

برنامه دوم توسعه و جایگاه زنان (۱۳۷۸-۱۳۷۴)

با آغاز برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با توجه به شروع فعالیت دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سایر تشکیلات و سازمان‌های غیردولتی، حرکتی در راستای اثرگذاری در تنظیم خط‌مشی‌های اساسی بخش‌ها آغاز شد. موارد مربوط به زنان در برنامه دوم به ترتیب ذیل می‌باشد:

بند ۱۲-۲: توجه ویژه در برنامه‌ریزی‌ها و اختصاص امکانات به مسائل تربیت بدنی و پرکردن اوقات فراغت بانوان.

بند ۱۳-۲: مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن.

برطبق تبصره ۶۵ ماده واحده قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه، دولت مکلف است نسبت به ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر با توجه به حفظ شئون زن در جامعه اسلامی اقدام نماید. (تبصره ۶۵).

این برنامه در خط مشی تحقق عدالت اجتماعی، تعمیم، گسترش و بهبود نظام تامین اجتماعی به وسیله تامین منابع از محل بودجه‌ی عمومی را به منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند از جمله زنان و کودکان بی‌سرپرست تا آخر برنامه دوم مصوب کرده است (تبصره ۱۲). از موضوعات دیگر برنامه دوم توسعه، ترغیب به ازدواج و تشکیل خانواده و آگاهی نسبت به روش‌ها و معیارهای شرعی در انتخاب همسر و حقوق خانواده است (زعفرانچی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). موضوع جمعیت و تنظیم خانواده همچنان از موضوعات مهم برنامه است. در اسناد ضمیمه قانون برنامه نیز به ضرورت گسترش تامین اجتماعی از جمله کودکان و زنان بی‌سرپرست و همچنین به لزوم مشارکت بیشتر زنان در امور

اجتماعی اشاره شده است (قانون برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۴)، در سال ۱۳۷۷، دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، به مرکز امور مشارکت زنان تغییر نام یافت.

برنامه سوم توسعه و جایگاه زنان (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

در مجموع مشاهده می‌شود که با گذشت زمان از برنامه اول به سوم، حساسیت برنامه‌ریزان به مسأله جنسیت و زنان بیشتر شده و به موازات تدوین و تصویب مواد قانونی، نهادها و تشکیلات و برنامه‌های متناظر برای تحقق این هدف هم به وجود آمده است. برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) با نگرش سیاست‌گذار مبتنی بر باور مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همراه بود، لذا نسبت به دو برنامه پیشین توجه به وضعیت بانوان به گونه‌ای روشن‌تر طرح گردید (فسایی و کلهر، ۱۳۸۶: ۲۲). به استناد ماده ۱۵۸ و آئین‌نامه اجرایی آن، می‌توان مفاد آن را در قالب ۷ محور کلی امور آموزشی، امور فرهنگی، امور ورزشی، اشتغال (مشارکت اقتصادی)، امور علمی و پژوهشی (مطالعات و تحقیقات در مسائل زنان)، امور حقوقی، توسعه سازمان‌های غیردولتی تقسیم نمود.

آیین‌نامه اجرایی قانون برنامه سوم هیأت وزیران (۱۳۷۹/۹/۲) که در ۴ ماده به تصویب رسید شامل موارد ذیل است: در ماده یک، مرکز مشارکت زنان موظف است به منظور ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و نهاد خانواده اقداماتی را به انجام برساند که شامل موارد ذیل است: ۱. کوشش در تعریف نقش و جایگاه زنان در خانواده، ۲. سازماندهی طرح‌های مطالعاتی در خصوص مسائل و نیازهای اساسی اشتغال زنان، ۳. ارائه طرح‌های لازم جهت تسهیل و اصلاح امور حقوقی و قضایی زنان، ۴. تمهیدات لازم جهت تشکیل توسعه سازمان‌های غیردولتی زنان، ۵. بررسی زمینه‌های لازم فعالیت اقتصادی زنان (ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۹). در ماده‌های ۲ و ۳ و ۴ آیین‌نامه فوق مرکز امور مشارکت زنان موظف به پیگیری امور فوق، ارائه گزارش عملکرد سالیانه و تعیین شاخص‌های مربوط به وضعیت زنان در حوزه‌های مختلف و گزارش سالیانه تحولات این شاخص‌ها می‌باشد. (مواد ۴-۲ قانون برنامه سوم توسعه). ماده ۷۱ (بند ن)، پیشنهاد برنامه‌های توسعه و مشارکت زنان و جوانان به ویژه بسیجیان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان در دستور کار قرار داده است. در سطح ملی شکاف جنسیتی در طول برنامه سوم در مجموع به وضوح کاهش یافته است. "شاخص توسعه انسانی"^۱ ایران در طول برنامه افزایش یافته است (BRIC, 2009: 1) اما هم‌زمان شاخص‌های "توسعه انسانی تعدیل‌یافته برحسب جنسیت"^۲، و "شاخص توانمندسازی برحسب جنسیت"^۳، بویژه

¹. Human Development Index (HDI)

². Gender-Related Development Index (GDI)

³. Gender empowerment measure (GEM)

مورد اخیر، بهبودی قابل توجهی یافته‌اند، به طوری که رتبه ایران را در میان کشورها از این دو حیث ارتقا بخشیده‌اند. (فسایی و کلهر، ۱۳۸۶: ۲۲).

سند چشم انداز بیست ساله، برنامه چهارم توسعه و جایگاه زنان (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

برنامه چهارم توسعه کشور، نخستین قانون برنامه‌ای است که مبتنی بر یک برنامه درازمدت یعنی بر پایه سند چشم‌انداز بیست ساله تنظیم شده است. سه برنامه اول، دوم و سوم، حداکثر به یک دایره زمانی پنج ساله محدود می‌شد؛ اما با توجه به راهبرد دراز مدت‌تر سند چشم‌انداز بیست ساله، برنامه توسعه چهارم با تأسی از بند ۱۴ سند، به مسائل زنان پرداخته است. در بند ۱۴ سند، براسستی‌های حقوق شرعی و قانونی بانوان تأکید شده و برای نیل به آن، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در خانواده و در صحنه سیاسی - اجتماعی و نقش‌سازنده آن، مورد توجه قرار گرفته است (لک زایی، ۱۳۸۵: ۱-۷).

در برنامه توسعه چهارم، موادی چند به مسأله زنان اختصاص یافته است. براساس ماده ۳۰، دولت موظف است در اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی، به سازندگان مسکن که برای زنان بی‌سرپرست خانه می‌سازند، یارانه کارمزد تسهیلات مسکن بپردازد. در ماده ۴۵، دستگاه‌های اجرایی موظف شده‌اند درصدی از اعتبارات هزینه‌ای خود را برای طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان به ویژه زنان صرف کنند. در ذیل ماده ۵۴ این قانون، به پرداخت هزینه آموزش ضمن خدمت کارکنان بخصوص زنان تأکید شده است. در ماده ۶۹، تأمین بیمه خاص حمایتی برای حمایت از زنان سرپرست خانوار پیش‌بینی شده است. ماده ۷۱ قانون برنامه سوم درباره زنان عیناً در برنامه چهارم تکرار شده است. در ماده ۷۹، تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار با همکاری سایر سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و تشکلهای غیردولتی در نظر گرفته شده، که باید در سه ماهه نخست سال اول برنامه به تصویب هیأت‌دولت برسد. در این ماده هم‌چنین، افزایش مستمری ماهیانه خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست و زنان سرپرست خانواده تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی بر مبنای چهل درصد حداقل حقوق و دستمزد گنجانده شده است. به علاوه، ماده ۸۹ بر تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و بر اجرای آن تأکید شده، و در ذیل ماده ۹۷ قانون، به افزایش مستمری ماهانه خانوارهای نیازمند و زنان بی‌سرپرست تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی اشاره شده است. ماده ۱۰۰، بر تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق زنان انگشت گذاشته، ماده ۱۰۱، بر تساوی دستمزدها برای زن و مرد در مقابل کار هم ارزش، برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب اشاره کرده و ماده ۱۰۲، بر توانمندسازی زنان برای برقراری تعامل اجتماعی لازم جهت شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاونی

بانوان تأکید ورزیده است. ماده ۱۱۱، دولت را مکلف کرده است برای نیل به هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت برای آنان و گسترش مشارکت آنان در کشور، اقدامهای زیر را انجام دهد:

«تدوین و تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان؛ تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم نهاد خانواده؛ حمایت از ایجاد و گسترش سازمانهای غیردولتی زنان»، بالاخره ماده ۱۱۱ به افزایش مشارکت زنان اختصاص دارد (قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴). همچنین در سال ۱۳۸۴ نام مرکز امور مشارکت زنان به مرکز امور زنان و خانواده تغییر یافت.

برنامه پنجم توسعه و جایگاه زنان (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)

این برنامه به عنوان پنجمین برنامه توسعه و دومین برنامه سند چشم انداز بیست ساله کشور در مجموع صریحاً ۲۱ بار از کلمه زنان در مادههای مختلف استفاده کرده است، که شامل مادههای ذیل می باشد:

فصل اول برنامه به خودباوری و تقویت نهاد خانواده در برنامه اجرایی هیأت وزیران اشاره دارد (قانون برنامه پنجم توسعه، ماده ۳). در ماده ۴۴ «به منظور توانمندسازی افراد و گروههای نیازمند بویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند با تأکید بر برنامههای اجتماع محور و خانوار محور، با استفاده بودجه عمومی دولت، کمکهای مردمی، کمک دستگاههای اجرایی و منابع صندوق توسعه ملی اقدامهای زیر توسط دولت انجام می شود:

بند ب- اجرای برنامههای توانمندی سازی. بند ج- تامین حق سرانه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیازمند، افراد بی سرپرست و معلولین نیازمند در طول سالهای اجرای برنامه. «پرداخته است. در یکی دیگر از مادههایی که صریحاً در حمایت از جایگاه زنان نگاشته شده است اشاره دارد که: «به منظور تحقق بخشیدن به منزلت و کرامت انسانی زنان خانه دار و ارزش گذاری مادی و معنوی امر مقدس خانه داری و خدمات آنان در فرایند اقتصادی و اجتماعی جامعه، وزارتخانههای امور اقتصادی و دارایی، کار و امور اجتماعی، رفاه و تامین اجتماعی، معاونت و بانک مرکزی و مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در سال اول برنامه نسبت به تعریف و شناسایی کار خانه داری زنان در خانه به عنوان فعالیت اقتصادی و اجتماعی اقدام و مرکز آمار ایران اثر فعالیتهای مذکور را در حسابهای ملی و سایر حسابهای اقتصادی کشور لحاظ نماید.

تبصره- دولت مجاز است مشوقهای مالی لازم را برای حمایت از فعالیتهای خانه داری زنان موضوع این ماده از جمله برنامه بیمه زنان خانه دار تدوین و ابلاغ نماید» (ماده ۴۶).

فصل پنجم برنامه که شامل امور اقتصادی می باشد در سر فصل بخش اشتغال ماده ۷۱ به حمایت از اشتغال زنان خانوار اشاره دارد. در فصل هشتم برنامه بخش حقوقی و قضایی، به حمایت از زنان

خانواده‌های زندانیان می‌پردازد. ماده ۲۲۷ اشاره دارد که دولت نسبت به تهیه و تدوین « سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» در مشارکت با سازمان‌های مربوطه اقدامات لازم را به کار ببندد. در اصلی‌ترین ماده حمایت از ارتقای جایگاه زنان (ماده ۲۳۰)، دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب « برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید(قانون برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹)

جدول ۱: سهم زنان در برنامه‌های توسعه

میزان پرداختن به مسأله زنان	برنامه‌های توسعه ایران
بند ۷-۹ سیاست تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم اعتدالی موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان - ورزش بانوان	برنامه توسعه اول
بند ۲-۱۲، بند ۳-۱۲، تبصره ۶۵ ماده واحده قانون برنامه پنج ساله دوم	برنامه توسعه دوم
ماده ۱۵۸، ماده ۵۸، اختصاص ۲۵ درصد بودجه جاری دستگاه‌های دولتی به امور زنان	برنامه توسعه سوم
بند سه ماده ۳۰، مواد ۵۲ و ۵۴، ماده ۹۱، ماده ۹۵، ماده ۹۶ قانون برنامه چهارم در بند (ج)، بند (ی) ماده ۹۷، ماده ۹۷ بند (ه) ماده ۹۸، ماده ۹۹، مواد ۱۰۱، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۶، ماده ۱۱۱،	برنامه توسعه چهارم
ماده ۳ بند الف، بند (د) ماده ۳۹، مواد ۴۲، ۴۳ و ۴۴، ماده ۷۱ ماده ۱۹۶، ماده ۲۲۷، ماده ۲۳۰،	برنامه توسعه پنجم

ارزیابی برنامه‌های توسعه کشور بر مبنای شاخص توسعه انسانی شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ به عنوان مقیاس جدیدی از توسعه معرفی شد. این شاخص مبتنی بر این ایده اساسی است که لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، بهداشت و سلامت، تامین اجتماعی و اشتغال، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی (آموزش) است (حسینی، ۱۳۸۴: ۲). شاخص توسعه انسانی در مقیاسی بین یک (بالاترین ارزش) و صفر (پایین‌ترین ارزش) قرار دارد، به طوری که ارزش‌های ۰/۸ و بالاتر از آن، بیانگر توسعه انسانی «سطح بالا» و ارزش‌های بین ۰/۵ تا ۰/۸ دال بر توسعه انسانی «متوسط»، و ارزش‌های کمتر از ۰/۵ مؤید توسعه انسانی «پایین» است. اهمیت شکاف جنسیتی به نحوی است که نهادهای بین‌المللی رتبه‌بندی کشورها را بر مبنای شاخص‌های توسعه انسانی، بر حسب جنسیت نیز تعدیل می‌کنند و کشورها را از حیث شاخص جدید با یکدیگر مقایسه می‌کنند، این شاخص همان شاخص‌های توسعه انسانی است (BRIC,2009:1) با این تفاوت که شاخص‌های توسعه انسانی را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آن‌ها تعدیل می‌کنند. تفاوت میان مردان و زنان یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در درون ارزش کلی شاخص توسعه انسانی یک کشور است (فسایی و کلهر، ۱۳۸۶: ۷).

شاخص‌های سلامت و بهداشت

مهم‌ترین شاخص سلامتی، امید به زندگی است، که از برنامه اول تا سوم روندی رو به افزایش به خود گرفته است. نرخ رشد سالانه شاخص امید به زندگی کشور طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ معادل ۰٫۹۴ بوده، در برنامه دوم، سوم و چهارم توسعه در مجموع شاخص توسعه انسانی از ۰/۷۰۹ در سال ۱۳۷۴ به ۰/۷۹۵ در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است. در واقع سالانه حدود یک درصد شاخص توسعه انسانی بهبود یافته است (BRIC,2009:3). در طول برنامه سوم این شاخص بهبود یافته و این بهبودی اندکی هم به نفع زنان است (فاصله امید به زندگی مردان و زنان ۴/۵ درصد) همچنین شکاف جنسیتی را از این لحاظ به نفع زنان تغییر داده است (فسایی و کلهر، ۱۷: ۱). اما در هر حال امید به زندگی مطابق اهداف تعیین شده در برنامه پنج ساله سوم نیست. زاد و ولد و مرگ و میر تا حدی مطابق با پیش‌بینی‌ها بوده است، و تغییرات اندک آن مربوط به تغییر سیاست‌های مهاجرت اتباع خارجی و زلزله بم است. البته در تحدید مولید عملکرد نهایی اندکی بهتر از اهداف تعیین شده بود و رشد جمعیت کاهش بیشتری داشته است (BRIC,2009:2) در برنامه چهارم و پنجم نیز روند رو به افزایش و بهبود است. از مهم‌ترین چالش‌های سلامت مادران در برنامه چهارم توسعه، کاهش اعتبارات در این زمینه می‌باشد (وزارت بهداشت درمان. آموزش پزشکی، ۱۳۸۵). در برنامه چهارم نرخ رشد شاخص امید به

زندگی در کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ به میانگین سالانه ۰/۸۶ درصد رسیده که این رقم نشان‌دهنده رشد خوب این شاخص در سال‌های اخیر است. در برنامه پنجم توسعه نیز در ماده‌های ۲۲ و ۴۴ به این شاخص توجه شده، و افق‌های نوینی برای آینده زنان در این شاخص پیش‌بینی شده است. (برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹) و (United nations Human Development Report, 2010).

آموزش

برنامه اول توسعه در موضوع فرهنگ عمومی اشاره‌ای کوچک به مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی فرهنگی، آموزشی و اقتصادی داشت. اما با گسترش آموزش دختران در سطوح ابتدایی و متوسطه، سیاست گسترش آموزش عالی با افزایش ظرفیت دانشگاه‌های دولتی و تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی زمینه را برای ارتقای سطح آگاهی‌های بیشتر فراهم آورد (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲۰۳). در این حوزه سطح باسوادی زنان در طول برنامه اول، دوم، سوم و چهارم به نحو ملموسی سالانه به اندازه یک درصد بیشتر شده است، ضمن اینکه شکاف جنسیتی در مورد این شاخص از برنامه اول تا پنجم کمتر شده است (فسایی و کلهر، ۱۳۸۶: ۱۸).

جدول ۲: وضعیت آموزش مردان و زنان در کشور

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۷۹
تعداد کل باسوادان	۴۷/۵	۶۱/۸	۷۹/۵	۸۴/۴
تعداد زنان باسواد	۳۵/۵	۵۲/۱	۷۴/۲	۸۰/۵
تعداد مردان باسواد	۵۸/۹	۷۱	۸۴/۷	۸۸/۷

(رنجبر، ۱۳۸۳، ۱۱۳) به نقل از روابط عمومی سازمان آموزش و پرورش.

در برنامه سوم و چهارم شکاف جنسیتی در کلیه سطوح آموزش از میان رفته و حتی به نفع دختران متحول شده است (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲۰۴). علی‌رغم این واقعیت، اهداف برنامه سوم در خصوص آموزش عمومی مطابق برنامه نبوده و به طور متوسط حدود ۹۵ درصد اهداف از پیش تعیین شده محقق شده است، اما گزارش‌ها معلوم نمی‌کند که این عدم تحقق بیشتر شامل دختران بوده یا پسران. همچنین بر اساس آمار سال ۲۰۱۰، ۳۹ درصد از زنان ۲۵ سال به بالا حداقل دارای تحصیلات متوسطه بوده‌اند و این رقم برای مردان ۵۷ درصد است. در برنامه پنجم نیز با توجه به ماده‌ها و قوانین عمومی، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که وضعیت زنان در این شاخص روندی صعودی به خود می‌گیرد. (United nations Human Development Rankings, 2010).

اشتغال

در برنامه اول توسعه اولویت رشد اقتصادی بر تولید بود، به تعبیری می توان گفت که برنامه اول توسعه بعد از انقلاب، یک برنامه کلان اقتصادی بود. در سال های اجرای برنامه های اول و دوم توسعه، کشور با تورمی ۴۹ درصدی مواجه شد (BRIC, 2009: 4). در طی اجرای برنامه های اول و دوم توسعه در مقوله های اشتغال و عدالت اجتماعی زنان مورد تبعیض واقع شدند، مخصوصاً در جذب نیروی کار اولویت به مردان داده شد و نرخ بیکاری زنان افزایش یافت (فسایی و کلهر، ۱۳۸۶: ۱۹). وضعیت زنان در فرآیند برنامه های توسعه در زمینه شاخص اشتغال نامساعد بوده و به آنان به عنوان یک عامل بنیادی توجه کافی نشده است. نرخ مشارکت زنان در ایران در سال ۱۳۷۵، ۴۰ درصد بوده که جمعیت دو میلیون نفری زنان در اشتغال را نشان می دهد. (شادی طلب، ۱۳۸۰: ۵۱) ولی نرخ مشارکت مردان در همان زمان ۶۰ درصد بوده که شامل جمعیت چهارده میلیونی مردانی که اشتغال داشتند بود. این آمار نشان می دهد که فقط دو میلیون نفر از شانزده میلیون نفر از کل جمعیت فعال و شاغل در ایران را زنان تشکیل داده اند که حاکی از سهم بسیار ناچیز زنان در اشتغال بوده است. از برنامه اول تا پایان برنامه دوم سال ۱۳۷۸ از کل شاغلان کشور ۹/۴ درصد را زنان تشکیل می دادند که در جامعه شهری ۹/۹ درصد و در جامعه روستایی ۸/۸ درصد بودند. (شادی طلب، ۱۳۸۰: ۴۸) این تعداد با ۱۸/۷۱ درصد افزایش در سال ۱۳۸۳ به ۱۱/۸ درصد رسید. شاخص اشتغال در سال ۸۳ نسبت به سال ۷۶ بیش از ۲ درصد کاهش را نشان می دهد. یعنی نرخ بیکاری زنان افزایش یافته است (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲۰۸). با این وجود در برنامه های دوم و سوم توسعه، توانمندسازی زنان تا حدودی مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس از طریق سپردن کار زنان به خودشان با ایجاد مرکز امور مشارکت زنان تشکیل شوراهای کمیسیون های زنان در استان ها و تشویق شرکت کنندگان زن در انتخابات شوراهای، مسأله زن مورد توجه و عنایت بیشتری قرار گرفت (حسینی، ۱۳۸۴: ۵).

شکاف جنسیتی در زمینه اشتغال در طول برنامه سوم عموماً تشدید شده است، در حالی که پیش از آن هم این شکاف وجود داشت. این شکاف به حدی است که اگر در ابتدای برنامه، زنان و مردان نرخ های بیکاری مشابهی داشته اند، در پایان برنامه، نرخ بیکاری زنان حدود دو برابر مردان شده است (BRIC, 2009: 4). شاخص توانمندی جنسیتی نیز با افزودن متغیرهای اقتصادی، تصمیم گیری و مشارکت سیاسی بدست می آید که به چهار عامل زیر بستگی دارد: الف) نسبت زنان به کل نمایندگان پارلمان ب) نسبت مدیران زن به کل مدیران جامعه ج) نسبت زنان متخصص به کل متخصصین جامعه د) سهم درآمد زنان از درآمد کل کشور (حسینی، ۱۳۸۴: ۴).

جدول ۳: شاخص توانمندسازی برحسب جنسیت و عوامل مؤثر بر آن برای چند کشور منتخب

نروژ	کانادا	ژاپن	پاکستان	بحرین	ایران	بنگلادش	یمن
۰/۹۰۸	۰/۷۸۷	۰/۵۳۱	۰/۴۱۶	۰/۳۹۵	۰/۳۱۳	۰/۲۱۸	۰/۱۲۳
۱	۱۰	۳۸	۶۴	۶۶	۷۲	۷۶	۷۸
۳۶/۴	۲۳/۶	۹/۹	۲۰/۸	۷/۵	۴/۱	۲	۰/۳
۲۸	۳۴	۱۰	۹	۱۰	۱۳	۸	۴
۴۹	۵۴	۴۶	۲۶	۱۹	۳۳	۲۵	۱۵
۰/۷۴	۰/۶۳	۰/۴۶	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۲۹	۰/۵۶	۰/۳۰

Source: Human Development Report 2004

مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که ارزش‌ها و باورهای رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان داشته است. در حالی که ۴۲ درصد توده مردم با کار زنان موافقاند، در گروه نخبگان این رقم به ۶۴ درصد می‌رسد (شادی طلب، ۱۳۸۰: ۵۴) و (آل آقا ۱۳۷۶: ۲۵۱-۳۱۴).

هرچند شاخص‌های توسعه انسانی در طول برنامه‌های اول تا چهارم رو به بهبود و پیشرفت بوده، ولی از نظر شاخص‌های جنسیتی مربوط به زنان در مقایسه با کشورهای نگاشته شده در جدول فوق از وضعیت چندان مناسبی در مقایسه با دیگر کشورها برخوردار نمی‌باشد (United Nations Human Development Report, 2010). در قانون برنامه پنجم نیز در قالب زنان خانوار، ماده ۷۱، اختصاصاً به این شاخص پرداخته است (قانون برنامه پنجم، ۱۳۸۹).

تأمین اجتماعی

وضعیت زنان در این شاخص در قانون برنامه اول نادیده گرفته شد. اما از برنامه دوم تا برنامه چهارم این شاخص رو به پیشرفت بوده است (فسایی و کلهر، ۱۳۸۶: ۲۰). به لحاظ تأمین اجتماعی در طول برنامه سوم و چهارم زنان وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند. به طوری که تعداد بیمه‌شدگان اصلی (زن) تحت پوشش تأمین اجتماعی از ۷/۷ درصد کل در ابتدای برنامه سوم به ۸/۸ در سال پایانی برنامه رسیده‌اند

و در مجموع ۳۷ درصد در تعداد زنان بیمه‌ای مذکور در طول برنامه سوم رشد داشته و همچنین این روند رو به رشد، در برنامه چهارم توسعه شتاب بیشتری به خود گرفته است (BRIC, 2009:4). مقدمه، ماده ۴۶ و ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنجم توسعه نیز شاخص تامین اجتماعی زنان را مورد توجه قرار داده است (قانون برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه‌های نوگرایی - نئوکلاسیک، بوزروپ، نظریه عدالت سیستمی و همچنین نظریه‌های محرومیت، هویت اجتماعی و خود مقوله‌بندی اجتماعی می‌توان گفت که توجه بیشتر به جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، شاخصه‌های مهم توسعه مورد توجه سازمان ملل یعنی توسعه انسانی در کشور را بهبود بخشیده است و در هر جا که این مهم (جایگاه و نقش زنان) تضعیف شده، کل فرایند توسعه انسانی کشور دچار فرسایش آماری گشته است. بر اساس نظریه بوزروپ و نظریه عدالت سیستمی و همچنین نظریه‌های محرومیت، هویت اجتماعی و خود مقوله‌بندی اجتماعی، مشکل زنان در کشور یک مشکل فرهنگی - اجتماعی است و اعتقاد به نقش‌های کلیشه‌ای بر حسب جنسیت، از عمده‌ترین عوامل بازدارنده زنان از مشارکت فعال و ایفای نقش‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب است همچنان که پاربات هنجارهای اجتماعی را مهم‌ترین عامل در نادیده گرفتن زنان در برنامه‌های کلان می‌داند.

از مهمترین موانع فرهنگی و اجتماعی بر سر راه حضور زنان در برنامه‌های توسعه در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها و حضور آن‌ها در برنامه‌های توسعه؛
۲. عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود؛
۳. نادیده گرفته شدن آن‌ها توسط برنامه‌های کلان و عدم آگاهی زنان از زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت است. زنان در برنامه‌های توسعه پنج ساله اول و دوم به طور جدی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار نگرفتند، و می‌توان گفت که از برنامه پنج ساله سوم توسعه و با تدوین ماده ۱۵۸ بود که دستگاه‌های متولی امور زنان موظف شدند که در جهت ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده همراه با انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های متولی کارهای لازم را انجام دهند. اعمال سیاست‌های مبتنی بر نگرش جنسیتی در برنامه‌های توسعه سوم و چهارم، به رشد جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه و در نهایت به رشد رو به افزایش اعتبارات امور زنان طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ منجر شد. برنامه چهارم توسعه با کیفیت بیشتری به مسائل زنان پرداخت. مهم‌ترین دغدغه برنامه چهارم، توسعه مشارکت اجتماعی زنان و تقویت نقش آن‌ها در جامعه است. در برنامه‌های اول و دوم توسعه، توجه به عدالت جنسیتی در فرایند توسعه، ضعیف می‌باشد، هرچند برنامه سوم و چهارم عدالت

جنسیتی را مورد توجه قرار می‌دهند اما در مجموع قانون برنامه چهارم در توجه به جایگاه زنان عملکرد موفق‌تری داشته است. از نقص‌های عمده برنامه چهارم این بود که بسیاری از ماده‌های این قانون برنامه، عملی نشد. تا جایی که اعتبارات حوزه زنان کاهش چشم‌گیری داشت. در قانون برنامه پنجم توجه به جایگاه زنان مورد توجه برنامه‌ریزان بوده، اما برای قضاوت درباره برنامه باید تا پایان مدت قانونی برنامه صبر نمود. برنامه پنجم با رویکردی ایرانی - اسلامی در راستای سند چشم‌انداز بیست ساله طراحی شده است. هرچند جایگاه زنان و توجه به امور زنان در این برنامه در ادامه روند برنامه‌های پیشین تقویت شد اما قانون برنامه پنجم (با توجه به طیف‌های گوناگون از زنان در جامعه: متاهل، مجرد، شهری، روستایی، کارمند، دانشجو...) به طور ملموسی به گروه زنان خانه‌دار توجه دارد و جایگاه دیگر گروه‌های زنان را به نسبت گروه زنان خانه‌دار نادیده گرفته است. حذف نگاه جنسیتی، عدم اختصاص سرفصل ویژه به امور زنان، کاهش اعتبارات مربوط به امور زنان، ابهام در کلمات و داشتن رویکردی خانه‌دار محور به زنان از جمله ایرادات مهم قانون برنامه پنجم می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت که توجه به جایگاه زنان در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه بر روی محور حداقل‌ها و حداکثرها در نوسان بوده، و حداقل‌ها از برنامه اول شروع شده و به سمت حداکثرها در برنامه پنجم پیش می‌رود. که یک روند تکاملی را نشان می‌دهد. در مقیاس داخلی توجه به جایگاه زن در فرایند توسعه کشور در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم، دارای روندی رو به بهبود و پیشرفت بوده است. امید است در برنامه‌های بعدی راهبردی مناسب‌تر و ثابت‌تری برای حضور زنان در فرایند توسعه و تقویت جایگاه آن‌ها فراهم شود.

منابع

- سن، آمارتیا (۱۳۸۱) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه: وحید محمودی، چاپ اول، تهران: انتشارات داستان.
- آل آقا، فریده (۱۳۷۶) «بررسی تحلیلی وضع فرهنگ عمومی بزرگسالان»، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- البرزی، شهلا و محمد خیر (۱۳۸۷) «راهکارهای اجرایی حضور زنان در برنامه ریزی‌های کلان کشور از دیدگاه زنان توانمند دانشگاهی»، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، ۲۷-۷.
- باقریان، محمد (۱۳۸۳) «مدیریت، توسعه، زنان در ایران»، فصلنامه فرهنگی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان ریحانه، تابستان، شماره هفتم، صص ۱۸-۳۳.
- بهرامی، فاطمه و مهدی آریا (۱۳۸۷) «جایگاه زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیعه، سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان، صص ۱۴۵-۱۲۳.

حسینی، نبیرالسادات (۱۳۸۴) «نقش زنان در فرایند توسعه: نگاهی به برنامه چهارم وشاخص های بین المللی توسعه»، *مجله اقتصاد: کار و جامعه*، شماره ۶۴، مرداد، صص ۶-۱.

خانی، فضیله (۱۳۸۹) «چارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری های جنسیتی در جهان»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز، ۳۰-۷.

زعفرانچی، لیلا السادات (۱۳۸۵) «زنان و خانواده در چهارم برنامه توسعه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال هشتم، شماره ۳۳، پاییز، صص ۱۲۸-۹۸.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸) سند برنامه: برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳-۱۳۷۸، پیوست شماره ۳ لایحه برنامه-تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، دو جلد.

شفیعی، السادات سمیه (۱۳۸۵) «جمهوری اسلامی ایران و مطالبات زنان»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۱، پاییز، صص ۲۱۰-۱۹۷.

شجاعی، زهرا (۱۳۹۰) «بررسی برنامه های توسعه ای ایران با محور زنان»، *روزنامه روزگار*، سال پنجم، شماره ۱۴۷۵، فروردین، ص ۷.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۵) «قانون اساسی و زنان: (بررسی جایگاه قانونی زنان در قانون گذاری های مربوط به مسائل زنان)»، *مجله معرفت*، شماره ۱۰۶، مهر، صص ۱۰۷-۹۸.

شادی طلب، ژاله (۱۳۸۰) «زنان ایران: مطالبات و انتظارات»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۸، پاییز و زمستان، صص ۶۲-۳۱.

فسایی، سهیلا و سمیرا کلهر (۱۳۸۶) «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه» *پژوهش زنان*، دوره ۵، پاییز، شماره ۲، صص ۲۷-۱.

«قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸ - ۱۳۷۴»، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴.

«قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴)»، تهران: مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

«قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)»، تهران، مصوب ۱۳۸۹/۱۱/۱۴، انتشارات مهرماه نو، موسسه حقوقی مهتابان عدالت، ۱۳۸۹.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«گزارش اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)»، تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.

لک زایی، محسن (۱۳۸۵) «ضرورت ها و ظرفیت های تحقق سند چشم انداز بیست ساله»، *فصلنامه دفاعی مطالعات فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان، صص ۱۵-۱.

محمودی، وحید و سید قاسم صمیمی فر (۱۳۸۴) «فقر قابلیت»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، تابستان، ص ۳۱-۹.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۷) سرشماری‌های نفوس و مسکن کل کشور، سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، سالنامه آماری کشور.

نظام کشوری مراقبت مرگ مادری (۱۳۵۴) وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی. دفتر سلامت خانواده و جمعیت، اداره سلامت مادران، صص ۴۰-۱.

رنجبر، حسین (۱۳۸۳) بررسی جنبش اجتماعی زنان از مشروطه تاکنون، کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ضمایم آن (سایت مجلس شورای اسلامی)

Abbott, Pamela and Claire Wallace (1997) An introduction to Sociology; Feminist perspectives, Persian translation by Noushin Khorasani, Mother's world publication, Tehran.

Center for Women Studies and Research, University of Tehran (2004) *Women and gender issues in 4(th) plan of development of Islamic Republic of Iran*.

Dovidio, J. F., Mann, J. & Gaertner, S. L. (1989) «Resistance to Affirmative Action: The Implication of Aversive Racism», In F.A. Blanchard & F. J. Crosby (Eds.), *Affirmative Action in Perspective*, New York: Springer Verlag, pp 83-102.

Foster, M. D. & Matheson, K. (1995) «Double Relative Deprivation: Combining the Personal and Political», *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21, pp 1167-1177.

Forsythe, N., Korzeniewicz R.P., & Durant, V (2000) «Gender inequalities and economic growth: A longitudinal evaluation», *Economic Development and Cultural Change*, 48(3), pp. 573-617.

Jost, J. T. & Banaji, M. R. (1994) «The Role of Stereotyping in System Justification and the Production of False Consciousness», *British Journal of Social Psychology*, 33, pp. 1-27.

Lee, S. S. (1987) «Attribution and Performance: The Effects of Sex Role Identity and Sextyped Task», *Journal of Social Psychology*, pp 151-157.

Morrison et al (2005) «The impact of social institution's on the economic role of women in developing countries », *OECD Development Center Working*, Paris, Paper No 213.

Neto, F. (1995) «Knowledge of Sex Stereotypes and Internality», *Psychological Reports*, 76 pp.504-506.

Tajfel, H. & Turner, J. C. (1979) *An Integrative Theory of Intergroup Conflict*, In *W. G. Austin & S. Worchel (Eds.)*, The Social Psychology of Intergroup Relations, Monterey, CA: Brooks/Cole.

Turner, J. C.; Hogg, M. A.; Oakes, P. J.; Reicher, S. D. & Wetherell, M. S. (1987) «Rediscovering the Social Group: A Theory of Self-categorization», *New York: Basil Blackwell, Inc.*

Behavioral Reseach Information center of Iran (2009) bric.ir/category/bric/p1.

United Nations Development Program(2004) Human Development Report, <http://hdr.undp.org>

United nations Human Development Report(2010) —20th Anniversary Edition, <http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr2010/>

United nations Human Development Index (HDI) – (2010) Rankings, <http://hdr.undp.org/en/statistics/>